



حاکمیت شرکتی گزارشگری یکپارچه مالی و کنترل داخلی

بورد با گسترش بازار سرمایه ایران، تعداد بیشتری از اشخاص حقیقی و حقوقی سرمایه گذاری در بازارهای اوراق بهادار را از طریق سرمایه گذاری خصوصی در سهام شرکتها، صندوقهای سرمایه گذاری و صندوقهای بازنشستگی آغاز کرده اند. علاوه بر این، با توجه به ریسکهای اقتصادی، سیاسی و ... موجود، سرمایه گذاران توجه بیشتری به حاکمیت شرکتی صندوقها و شرکتهای بورسی دارند. پایداری و سلامت مالی شرکتهای سهامی عام، برای حفظ سطح بالای اعتماد سرمایه گذاران اهمیت دارند و این پایداری نیازمند اعتماد عمومی نسبت به انکاپذیری گزارشهای مالی است. این مقاله، به شکل اجمالی حاکمیت شرکتی، اهمیت بازارهای سرمایه برای توسعه اقتصادی، ارتقای سیستم شرکت داری خصوصی و آزاد، نقش حاکمیت شرکتی در بهبود کیفیت اطلاعات مالی و داخلی در تولید اطلاعات مالی انکاپذیر، شفاف و باکیفیت را بررسی می کند.

سیدمحمدحاشمی نژاد

مدیر عامل مرکز مالی ایران

حیدر فروغ نژاد

رئیس اداره
گواهی نامه حرفه ای سازمان
بورس و اوراق بهادار

بورد

دی ماه ۱۳۹۲ • شماره ۱۰۷

شرکتی در اخذ تصمیمات سرمایه گذاری اتکا می‌کنند. ریاست سابق هیات نظارت بر حسابداری شرکت‌های عام، ویلیام مک دونو، بیان کرده است که «اعتماد به دقت صورت‌های مالی، اساس تمایل سرمایه گذاران برای سرمایه گذاری، وام دهندگان برای وام دهی و اعتماد کارمندان مبنی بر امکان اعتماد به شرکت خود برای ایفای تعهداتش، است.» همانطور که اعتماد سرمایه گذاران به اطلاعات مالی تمایل آنها برای سرمایه گذاری را تشویق می‌کند، آینده اقتصاد کشور نیز به این امر وابسته است که شرکت‌ها چقدر در پاسخ به این نیاز برای شفافیت و اتکاپذیری بیشتر اطلاعات مالی، موفق عمل خواهند کرد.

تعداد بیشتری از افراد در حال حاضر در صندوق‌های بازنسیستی سرمایه گذاری می‌کنند یا به شکل فعالانه ای پورتنوی خود را مدیریت می‌کنند و در نتیجه تحت تاثیر اطلاعات مالی انتشار یافته در بازار قرار می‌گیرند. اطلاعات مالی اتکاپذیر و شفاف به کارکرد اثربخش بازارهای سرمایه و اقتصاد کمک می‌کند. ورد کام و اتران، دو مورد از بزرگترین ورشکستگی‌های تاریخ آمریکا، نگرانی‌های عمده ای درباره فعالیت‌های ارزش افرا، اخلاق و حاکمیت شرکتی شرکت‌های عام و نیز پاسخگویی حرفه ای هیات مدیره، مدیریت ارشد، حساب‌رسان داخلی و مستقل، و سایر فعالان حاکمیت شرکتی ایجاد کرده اند. فقدان اعتماد عمومی و سرمایه گذاران به بازار سرمایه و گزارش‌های مالی آن همچنان به تاثیر منفی بر شور و هیجان بازارهای سرمایه ادامه می‌دهند.

ساختار شرکتی مدرن، تفکیک مالکیت و کنترل شرکت را الزامی کرده است تا مالکان (سهامداران) سرمایه مالی و مدیران، سرمایه انسانی را تزریق کنند. این اطلاعات به هر کسی اجازه می‌دهد تا در شرکت‌هایی سرمایه گذاری کند که برای اجرای کسب و کار تخصص دارند یا زمان گسترده ای را به آن تخصیص می‌دهند. سرمایه گذاران این فرصت را دارند تا در شرکت‌های زیادی سرمایه گذاری کنند تا پورتنوی خود را متنوع کنند و ریسک سرمایه گذاری خود را کاهش دهند. شرکت‌ها از دسترسی پذیری سرمایه که به آنها اجازه رشد می‌دهد، نفع می‌برند. این ترکیب، زمانی عملکرد خوبی دارد که سرمایه گذاران (مالکان) بتوانند سرمایه را تزریق کنند و تصمیمات کسب و کار را به مدیران (نماینده) تفویض کنند و از طرف دیگر، مدیریت شرکت را در جهت بیشترین منافع ملکان اداره کنند. در واقع، تضاد بالقوه منافع در زمانی ایجاد می‌شود که کنترل تصمیم از کنترل مالکیت جدا می‌شود که ایجاد هیات مدیره سازگار با منافع سهامداران را الزامی می‌کند.

سرمایه گذاران، مسئول ارائه سرمایه‌ی مورد نیاز برای تسهیل عملیات اثربخش شرکت هستند و در نتیجه این حق را دارند تا نمایندگان خود، یعنی هیات مدیره را انتخاب کنند. هیات مدیره مسئول تصمیم گیری از طرف سهامداران است و مسئول مستقیم انتصاب مدیریت و پایش مستمر تصمیمات و اقدامات آنها است. مدیریت اختیار دارد تا شرکت را اداره کند و برای تصمیمات اتخاذ شده و اقدامات اجرا شده، پاسخگو است. حاکمیت شرکتی اثربخش: (۱) سازوکاری برای فرایند انتخاب توسط سهامداران برای ارائه‌ی بازخورد آنها درباره اینکه چگونه نمایندگان آنها عمل کرده اند، سلب مسئولیت از مدیرانی که عملکرد ضعیفی داشته اند و انتخاب دوباره مدیران خوب فراهم می‌کنند؛ (۲) هیات مدیره را قادر می‌سازد تا مدیریت دارای عملکرد ضعیف را برکنار کنند و به افرادی که در جهت حصول ارتقای ارزش سهامداران کار می‌کنند، پاداش دهند.

اصلاحات حاکمیت شرکتی اخیر، شامل قوانینی از قبیل ساکس، قواعد کمیسون بورس اوراق بهادار، استانداردهای پذیرش در بورس و بهترین روش‌های حاکمیت شرکتی در سراسر دنیا، توازن قدرت را بین سهامداران، مدیران و مدیریت شرکت تغییر داده اند. سهامداران در پایش و مذاقه در شرکت‌های خود، کنش گرانه تر عمل کرده اند، و در نتیجه انتظارات خود از عملکرد مدیران از طرف آنها را ارتقا داده اند. مدیران تعهد و پاسخگویی خود جهت ایفای وظایف امانی خود را از طریق نظارت بر طرح‌های راهبردی، تصمیمات، و عملکرد مدیریت را افزایش داده اند و زمان بیشتری برای وظایف خود، به خصوص در نظارت بر فرایند گزارشگری مالی تقویت کرده اند. مدیریت

در سایه تفکیک مالکیت از کنترل و مشکل نمایندگی ناشی از آن در دنیای کسب و کار مدرن، سیستم حاکمیت شرکتی ضرورت یافته است که از طریق آن، مدیریت نظارت و پایش می‌شود تا هزینه‌های نمایندگی کاهش یابد و منافع سهامداران با سرمایه‌گذاران همسو شود. در حالی که تعریف توافق شده عمومی درباره حاکمیت شرکتی وجود ندارد، حاکمیت شرکتی را می‌توان در قالب سیستمی تعریف کرد که «متشکل از تمام افراد، فرایندها و فعالیت‌هایی است که به مباشرت نسبت به دارایی‌های شرکت کمک می‌کند» (میسیر و همکاران ۲۰۰۸). ساختار حاکمیت شرکتی خوب به تضمین این امر کمک می‌کند که مدیریت به نحو مناسبی از منابع بنگاه در جهت بهترین منافع مالکان غایب استفاده می‌کند و وضعیت مالی و عملکرد عملیاتی شرکت را به نحو مصنفانه‌ای بازنمایی می‌کند.

گزارشگری نسبت به صورت‌های مالی از اوایل دهه هشتاد و با تصویب اولین مجموعه‌ی استانداردهای حسابداری ایران، به سبک و سیاق فعلی آن مطرح شده است. با گسترش بازار سرمایه در ایران و نیز افزایش تعداد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، گزارشگری نسبت به صورت‌های مالی برای این شرکت‌ها اهمیت ویژه‌ای یافته است. از یک طرف، شرکت‌های سهامی عام موظفند طبق الزامات مقرراتی و قانونی، نسبت به صورت‌های مالی خود گزارشگری داشته باشند و از طرف دیگر، این گزارشگری یکی از عناصر برقراری حاکمیت شرکتی در تمام شرکت‌های عام و به شکل خاص در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار در جهت ارتقای نظام اقتصادی و تخصیص بهینه‌ی منابع محدود و نیز برقراری پاسخگویی در قبال تمام ذی‌نفعان بسیار حایز اهمیت تلقی می‌شود. با این وجود، گزارشگری یکپارچه نسبت به صورت‌های مالی، مقوله نسبتاً جدیدی است که در پی بحران‌های مالی در سطح کشورهای آسیایی در اواخر هزاره دوم میلادی و نیز در کشورهای منطقه پورو و نیز آمریکا در دهه اول هزاره سوم، و پس از تصویب قانون ساکس در آمریکا و قوانین هم‌راز آن در کانادا و ژاپن و انگلستان، بیش از پیش مطرح شده است و به نوعی حساب‌رسان مستقل را ملزم می‌کند تا علاوه بر صورت‌های مالی، نسبت به کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی نیز اظهار نظر کنند. در ایران نیز، در پی بررسی‌های انجام شده، سازمان بورس اوراق بهادار تهران در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۱، اقدام به تهیه و ابلاغ دستورالعمل کنترل داخلی به شرکت‌های پذیرفته شده در بورس و فرابورس تهران کرد. این دستورالعمل، مؤسسات حسابرسی را ملزم می‌کند تا کنترل‌های داخلی را حسابرسی و بررسی کرده و نسبت به آنها اظهار نظر کنند. در استانداردهای حسابرسی تدوین شده توسط سازمان حسابرسی، در بخش گزارشگری، یک بخش با عنوان سایر مسئولیت‌های گزارشگری پیش بینی شده است که در این بخش، حسابرس سایر مواردی که طبق قوانین یا مقررات ملزم به اظهارنظر درباره آنهاست را بیان می‌کند. اما در استانداردهای حسابرسی، گزارشگری راجع به کنترل‌های داخلی به شکل جداگانه پیش بینی نشده، در حالی که در استانداردهای کشورهای توسعه یافته از قبیل آمریکا و در پی تلاش‌های هیات نظارت بر حسابداری شرکت‌های عام، این گزارشگری الزامی شده است و به گزارشگری یکپارچه مالی و کنترل‌های داخلی معروف شده. این نوع از گزارشگری، در قالب ساختار حاکمیت شرکتی و بهبود پاسخگویی شرکتی و ارتقای اعتماد سرمایه گذاران به بازارهای مالی تعریف می‌شود.

اطلاعات مالی و بازارهای سرمایه

اتکاپذیری، شفافیت و کیفیت گزارش‌های مالی، ماده حیات بخش بازارهای سرمایه هستند. کارایی بازارهای سرمایه به اتکاپذیری اطلاعاتی وابسته است که بازارها را قادر می‌سازد تا به عنوان سازوکاری علامت دهی برای تخصیص مناسب سرمایه عمل کنند. اعتماد سرمایه گذاران به «سطح مشابه فضای فعالیت» تمام فعالان بازار، سرمایه گذاران را تشویق کرده است تا وارد بازار سرمایه شوند.

جامعه، به خصوص جامعه سرمایه گذاری، به کیفیت گزارش‌های مالی

تلاش‌های خود جهت حصول خلق ارزش سهامداران و ارتقای پایدار آن، و ارتقای اتکاپذیری گزارشگری مالی از طریق تایید کیفیت کنترل‌های داخلی و صورت‌های مالی را افزایش داده است. اعتباردهی مدیران، نظارت دقیق کمیته حسابرسی، و کیفیت ارتقایافته‌ی حسابرسی در کنار هم به شکل بااهمیتی کیفیت اطلاعات مالی منتشر شده‌ی عمومی و اعتماد سرمایه‌گذاران به بازارهای سرمایه را ارتقا داده است. دستورالعمل کنترل داخلی و گزارشدهی یکپارچه تصویر دقیق تر و همگن تری از وضعیت مالی و عملکرد شرکت در اختیار سرمایه‌گذاران قرار می‌دهد.

کمیته مسئول مقررات بازارهای سرمایه پیشنهاد می‌کند که کمیسیون بورس اوراق بهادار، در اجرای قواعد مربوط به بخش ۴۰۴ ساکس درباره کنترل‌های داخلی کمتر سخت‌گیری کند، حقوق سهامداران را تقویت کند، نقش اختیارات ایالتی را کاهش دهد و مسئولیت قانونی حسابرسان را محدود کند. پیشنهادهای کمیته تحت تاثیر اهداف اصلی تقویت رقابتی شدن بازارهای سرمایه آمریکا در جهان به جای حفاظت از سرمایه‌گذاران که نقش آنها برای رونق بازارهای سرمایه حیاتی است قرار دارد. این پیشنهادها نیازمند اجرا و الزام مقررین به صرفه تر مفاد ساکس، حقوق بیشتر سهامداران، حفاظت بیشتر برای شرکت‌های حسابرسی، و اصلاحات مناسب در سیستم قانونی است. ۳۲ پیشنهاد کمیته، پاسخ‌های متناقضی دریافت کرده اند.

فعالان وابسته به سرمایه‌گذاران به دلیل آزادتر شدن سازوکارهای طراحی شده برای حفاظت از سرمایه‌گذاران از سوء استفاده‌های شرکتی، به کمیته انتقاد کرده اند. گروه‌های موافق کسب و کار (مانند اتاق بازرگانی آمریکا) به دلیل اشاره به چارچوب مناسب قانونی و مقرراتی مورد نیاز برای ارتقای رقابتی شدن بازارهای سرمایه‌ی آمریکایی در جهان، کمیته را تحسین کرده است. با این حال، انتظار می‌رود که گزارش کمیته به بحث نوپدید درباره آینده‌ی حاکمیت شرکتی و گزارشگری مالی در آمریکا کمک کند.

گذری بر مفاد قانونی ساکس

شواهد اولیه اشاره می‌کنند که اثرات مقررات ساکس مثبت هستند و باید در بلندمدت نیز برای اقتصاد آمریکا مثبت باشند. بعضی از مفاد ساکس که در گذشته توسط شرکت‌های عام اجرا نمی‌شد و هدف از آنها نفع رسانی به کل شرکت‌ها است، به شرح زیر هستند:

- ایجاد هیات نظارت بر حسابداری شرکت‌های عام برای نظارت بر حسابرسی شرکت‌های عام و ارتقای محیط خودمقررات‌گذاری ناثربخش حرفه‌ی حسابرسی.
- ارتقای حاکمیت شرکتی از طریق هیات مدیره‌ها و مدیران مسئول مستقل تر و هشیارتر.
- ارتقای کیفیت، اتکاپذیری، شفافیت و به هنگامی افشائیات مالی از طریق اعتباردهی مدیران اجرایی نسبت به صورت‌های مالی و کنترل‌های داخلی.
- جلوگیری از ۹ نوع خدمات غیرحسابرسی که تصور می‌شود بر استقلال و بی‌طرفی حسابرس تاثیر منفی بگذارند.
- نظارت بر اجرای حسابرسان، مشاوران حقوقی و تحلیل‌گران و تضاد منافع احتمالی آنها
- افزایش جرایم مدنی و قانونی برای نقض قوانین اوراق بهادار.
- ۶ ماده‌ی ساکس به کیفیت، اتکاپذیری، شفافیت و به هنگامی گزارش‌های مالی شرکت‌های عام اشاره می‌کنند:
- (۱) هیات مدیره باید نقش فعال تری در نظارت بر گزارش‌های مالی ایفا کند؛
- (۲) کمیته حسابرسی مسئول نظارت بر گزارش‌های مالی و حسابرسی‌های مربوط؛
- (۳) مدیریت باید کامل بودن و دقت گزارش‌های مالی طبق اصول عمومی

پذیرفته‌ی حسابداری را تضمین کند؛

(۴) اطلاعات مالی پیش نویس باید به نحوی ارائه شوند که همراه کننده نباشند و با اقلام اصول عمومی پذیرفته شده حسابداری منافاتی نداشته باشد؛

(۵) تمام تعدیلات اصلاحی بعدی شناسایی شده توسط حسابرسان مستقل باید با کمیته حسابرسی بحث شود و در تمام گزارش‌های حاوی صورت‌های مالی بازتاب یابد؛

(۶) مدیریت باید اثربخشی کنترل‌های داخلی، حسابرسی کنترل داخلی حاکم بر گزارشگری مالی، اطلاع رسانی نقص‌های بااهمیت به کمیته‌ی حسابرسی، و افشای عمومی ضعف‌های بااهمیت در کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی را ارزیابی کند.

گزارشگری یکپارچه مالی و کنترل داخلی

مقررات به شکل عمده‌ای در سراسر جهان متفاوت از روند نوپدید ناشی از تقاضای سرمایه‌گذاران جهانی برای گزارش‌های مالی شفاف تر و اتکاپذیرتر هستند. مدیران شرکت‌های جهانی در قبال اثربخشی کنترل‌های داخلی و درستی صورت‌های مالی از طریق قوانینی مانند ساکس (برای مثال تضمین مدیران) و رهنمودهای قانون شرکت‌های اتحادیه اروپا، پاسخگوتر شده اند.

مسئولیت بیشتری بر عهده مدیران، به خصوص کمیته‌های حسابرسی، برای نظارت بر کنترل‌های داخلی، گزارشگری مالی، مدیریت ریسک و فعالیت‌های حسابرسی شرکت خود قرار داده شده است. گزارشگری یکپارچه کنترل‌های مالی و داخلی از طرف مدیران و حسابرسان مستقل درباره کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارش‌های مالی و صورت‌های مالی برای سهامداران جهانی ارائه می‌شود. این گزارش‌های یکپارچه باید برای سرمایه‌گذاران مفید هستند، چون کنترل‌های داخلی اثربخش حاکم بر گزارشگری مالی در پیشگیری و کشف تحریف‌های مالی شامل تقلب، نقشی حیاتی دارند.

بازارهای سرمایه اثربخش تحت تاثیر گستره‌ای از عوامل شامل نقدینگی، هزینه‌های پایین معاملات، و دسترسی پذیری اطلاعات مالی باکیفیت، اتکاپذیر و شفاف قرار دارند. اعتماد سرمایه‌گذاران به اطلاعات مالی، کارایی و جذابیت بازارهای سرمایه را ارتقا می‌دهد و همزمان اطلاعات گمراه کننده، چنین اعتمادی را از بین می‌برند. گزارشگری یکپارچه کنترل‌های مالی و داخلی می‌تواند اطمینان معقولی برای سرمایه‌گذاران و بازارهای سرمایه فراهم کند مبنی بر اینکه اطلاعات مالی افشا شده گمراه کننده نیستند. هدف اصلی گزارشگری یکپارچه کنترل‌های مالی و داخلی ارائه اطلاعات متقاعدکننده به سرمایه‌گذاران، شامل سهامداران و سایر ذی‌نفعان (مثلاً مشتریان، کارکنان، عرضه کنندگان، دولت، رقیب، اجتماع) درباره‌ی صورت‌های مالی و کنترل‌های بین‌المللی برای اینکه بتوانند تصمیمات سرمایه‌گذاری درستی اتخاذ کنند را ممکن می‌کند. اطلاعات متقاعدکننده، اطلاعاتی است که برای بازنمایی منصفانه صورت‌های مالی و اثربخشی کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی، کافی، اتکاپذیر، مفید، شفاف، به هنگام و ربط پذیر است. گزارشگری یکپارچه کنترل‌های مالی و داخلی، اطمینان معقول و نه کاملی درباره کیفیت اطلاعات مالی منتشر شده به سرمایه‌گذاران فراهم می‌کند.

گزارشگری یکپارچه کنترل‌های مالی و داخلی که در این پورنوی تعریف شده است، شامل مواردی می‌شود که در ادامه می‌آید:

- (۱) گزارش مدیریت و تایید صورت‌های مالی؛
- (۲) گزارش مدیریت و تایید گزارش کنترل داخلی حاکم بر مدیریت مالی؛
- (۳) اظهارنظر حسابرسان مستقل درباره بازنمایی منصفانه و درست صورت‌های مالی؛



هدف اصلی گزارشگری یکپارچه کنترل‌های مالی و داخلی ارائه اطلاعات متقاعدکننده به سرمایه‌گذاران، شامل سهامداران و سایر ذی‌نفعان درباره صورت‌های مالی و کنترل‌های بین‌المللی است برای اینکه بتوانند تصمیمات سرمایه‌گذاری درستی اتخاذ کنند.



شرکت‌های عام استانداردهای حسابرسی خود، خصوصاً استاندارد شماره ۵ را برای حسابرسی کنترل داخلی حاکم بر گزارش‌های مالی بازنگری کرده است. این اقدامات برای مقرون به صرفه تر، کاراتر، بیشتر ساختن بخش ۴۰۴ ساکس درباره رعایت کنترل داخلی و طراحی یک چارچوب برای اجرای اثربخش گزارشگری یکپارچه کنترل‌های مالی و داخلی اتخاذ شده اند. اجرای اثربخش گزارشگری یکپارچه کنترل‌های مالی و داخلی نیازمند کارکرد متعادل تمام فعالان در فرایند گزارشگری مالی مانند نمایه ۶ است. انتظار می‌رود که رهنمودهای تفسیری کمیسیون بورس اوراق بهادار و استاندارد حسابرسی شماره ۵ هیات نظارت بر حسابداری شرکت‌های عام به شکل قابل توجهی گزارشگری یکپارچه کنترل‌های مالی و داخلی را از طریق توانمندسازی مدیران و حسابرسان برای بازنمایی منصفانه صورت‌های مالی و مناسب ارزیابی کنترل‌های داخلی حاکم بر صورت‌های مالی نسبت به واقعیت‌ها و شرایط شرکتی که از رویکرد بالا به پایین، اصول محور و ریسک محور استفاده می‌کند، ارتقا می‌دهد.

رهنمود تفسیری کمیسیون بورس اوراق بهادار و استاندارد حسابرسی شماره ۵ به شکل عمیق در بخش‌های بعدی بررسی می‌شود. آنها رهنمودی برای اجرای اثربخش بخش ۴۰۴ ساکس در شش حوزه زیر فراهم می‌کنند:

- (۱) مدیریت باید اثربخشی کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی شرکت را ارزیابی کند؛
- (۲) حسابرس مستقل باید تنها درباره اثربخشی کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی و نه ارزیابی مدیریت اظهار نظر کند؛
- (۳) تمرکز حسابرسی کنترل داخلی باید بر مهم ترین موضوعاتی باشد که بیشترین ریسک را بازنمایی می‌کنند مبنی بر اینکه کنترل‌های داخلی شرکت در کشف، پیشگیری یا اصلاح تحریف‌های بااهمیت در صورت‌های مالی با استفاده از رویکردی بالا به پایین و ریسک محور برای تمرکز بر کنترل‌های سطح شرکت و محیط کنترلی آن ناتوان هستند؛
- (۴) رویه‌های حسابرسی غیر ضروری باید برای حصول به اهداف مورد نظر حسابرسی، و با استفاده از تجربیات کسب شده در حسابرسی‌های سال‌های قبل و کار دیگران (شامل حسابرسان داخلی و مدیریت) و تمرکز بر ارزیابی نظر درباره اثربخشی کنترل‌های داخلی به جای کفایت فرایندهای مدیریت برای حصول نتیجه گیری، محدود شوند؛
- (۵) حسابرسی یکپارچه باید برای متناسب شدن با اندازه و پیچیدگی شرکت، خصوصاً متناسب سازی استانداردهای حسابرسی برای شرکت‌های کوچک تر، متناسب سازی شود؛
- (۶) استانداردهای حسابرسی باید با کوتاه تر، شفاف تر، و به روشنی متناسب پذیرتر شدن برای حسابرسی شرکت‌ها با تمام اندازه‌ها و پیچیدگی‌ها، ساده سازی شود.

نتیجه‌گیری

حاکمیت شرکتی برای بهبود بازار سرمایه و نیز ارتقای اقتصاد شرکتی بسیار اهمیت دارد. در کشورهای دارای بازارهای سرمایه پیشرفته، حاکمیت شرکتی از طرق مختلفی به پاسخگویی بهتر و اعتماد بیشتر سرمایه‌گذاران به بازارها کمک می‌کند. در ایران، و در ادامه تلاش برای نظارت بهتر بر بازار سرمایه و نیز افزایش کارایی بازار، گزارشگری یکپارچه در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۱ با تصویب و ابلاغ دستورالعمل کنترل‌های داخلی مطرح شده است؛ تا زمینه برای اعتماد بیشتر سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی فراهم شود. با این حال، به ثمر رسیدن این نهال، مستلزم مشارکت فعالان حوزه حسابداری و حسابرسی، مدیریت شرکت‌های سهامی عام و واحدهای حسابرسی داخلی شرکت‌ها و نیز سازمان حسابرسی در جهت الزام شرکت‌ها به رعایت این دستورالعمل است. امید است در آینده نزدیک، گزارش‌دهی یکپارچه در ایران محقق شود.

*منابع مقاله در دفتر ماهنامه بورس موجود است.

(۴) اظهار نظر حسابرس مستقل درباره اثربخشی کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی؛

(۵) بازبینی صورت‌های مالی حسابرسی شده و گزارش‌های مدیریت و حسابرسان درباره کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی توسط کمیته حسابرسی.

اثربخشی گزارشگری یکپارچه کنترل‌های مالی و داخلی به کارکرد نظارتی قدرتمند توسط هیات مدیره، و به شکل خاص کمیته حسابرسی، کارکرد مدیریتی مسئول و پاسخگو توسط مدیریت ارشد، کارکرد حسابرسی مستقل معتبر توسط حسابرسان مستقل، و کارکرد حسابرسی داخلی عینی توسط حسابرسان داخلی بستگی دارد.

گزارشگری یکپارچه کنترل‌های مالی و داخلی از طریق افزایش اعتبار هم به صورت‌های مالی و کنترل‌های داخلی، که اعتماد سرمایه‌گذاران را ارتقا می‌دهد و اعتماد عموم به اطلاعات مالی شرکت‌های عام را افزایش می‌دهد، ارزش افزایی می‌کند. در این بافتار، حسابرسان ناقرینگی اطلاعات مالی بین مدیریت و سهامداران را کاهش می‌دهند و به سرمایه‌گذاران کمک می‌کنند تا تصمیمات آگاهانه تری اتخاذ کنند که در عوض بازارهای سرمایه را کاراتر می‌کند و به رونق اقتصاد ملی کمک می‌کند.

جریان بحران‌های مالی اوایل ۲۰۰۰، نگرانی‌هایی درباره کیفیت حسابرسی در کشف و گزارشگری کژنمایی‌های متقلبانه مالی ایجاد کرد و تقاضای جهانی برای ارتقا در کیفیت حسابرسی را کاهش داده است. نیاز برای گزارشگری یکپارچه کنترل‌های مالی و داخلی را می‌توان به تضاد مدیر-مالک که در تئوری نمایندگی بیان شده است نسبت داد که در آن مالکان دلیلی نمی‌بینند که به نمایندگان (مدیران) اعتماد کنند، که عمدتاً به دلیل انگیزه‌های متفاوت و ناقرینگی اطلاعات است. ممکن است مدیریت انگیزه‌هایی داشته باشد تا سرمایه‌گذاران را گمراه کند و در زمان‌هایی که فرصت‌هایی ایجاد می‌شوند، ممکن است تلاش کنند تا اطلاعات مالی را دستکاری کنند. لذا، نیاز به تایید بیرونی و سازوکارهایی برای همراستاسازی منافع نمایندگان با مالکان و کاهش احتمال رفتار سودجویانه و ناقرینگی اطلاعات وجود دارد. گسترده‌ای از سازوکارها شامل هیات مدیره هشیار، حاکمیت شرکتی اثربخش، و حسابرسی‌های مستقل وجود دارد که می‌توان از آنها برای همسوسازی منافع نمایندگان و مالکان و کاهش انگیزه‌های متفاوت و ناقرینگی اطلاعات استفاده کرد. قانون سال ۱۹۳۳ اوراق بهادار آمریکا و قانون بورس و اوراق بهادار سال ۱۹۳۴، حسابرسی‌های قانونی برای نشان دادن مشکلات نمایندگی بین مدیران و ذی‌نفعان و از طریق انتصاب حسابرسان مستقل برای حسابرسی صورت‌های مالی ارائه شده توسط نماینده و گزارشگری به مالکان درباره بازنمایی منصفانه آنها ایجاد کرده است. البته نقش حسابرسان مستقل در جامعه ما بسیار بااهمیت‌تر و گسترده‌تر از حل و فصل تضادهای نماینده-مالک است. حسابرسی‌های یکپارچه به کلای عمومی، ارزش می‌افزایند و ذی‌نفعانی علاوه بر سهامداران از اطلاعات ربط پذیر ارائه شده در گزارش‌های حسابرسی برای اتخاذ تصمیمات آگاهانه‌تر استفاده می‌کنند. قانون صورت‌های مالی الزام شده توسط قوانین اوراق بهادار در پی ارائه‌ی اطلاعاتی برای مقاصد قیمت گذاری بازار است. حسابرسی برای حفاظت از سرمایه‌گذاران از دریافت اطلاعات گمراه کننده طراحی شده است. لذا، حسابرسان مستقل برای بیان اظهارنظری درباره موارد زیر منصوب می‌شوند:

- (۱) بازنمایی منصفانه صورت‌های مالی طبق اصول عمومی پذیرفته حسابداری؛
 - (۲) اثربخشی کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارش‌های مالی.
- برای تسهیل حرکت به سوی گزارش‌های یکپارچه مالی و کنترل داخلی مقرون به صرفه، کمیسیون بورس اوراق بهادار و هیات نظارت بر حسابداری شرکت‌های عام اقدامات متعددی را انجام داده است. کمیسیون بورس اوراق بهادار رهنمودی تفسیری برای ارزیابی اثربخشی کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارش‌های مالی توسط مدیریت منتشر کرده است. هیات نظارت بر حسابداری